عنوان:

نقدی بر قرائن مولوی بودن اخبار «من بلغ ...» در اوثق الوسائل

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | e-o-136 |
| رده | علمی/فقه و اصول/اصول سطح 2/تحقیقی پژوهشی/رسایل/تبیین |
| برچسب | قاعده تسامح در ادله سنن، اخبار «من بلغ»، استحباب، امر ارشادی، امر مولوی، استظهار، تفضل، جبر ضعف دلالت، تفضل، استحقاق، حجیت |
| توضیحات | * در تولید این فایل از نرم‌افزار کتابخانه اصول فقه متعلق به مرکز علوم کامپیوتری اسلامی (نور) استفاده شده است.
* پیشنهاد می‌شود همراه این فایل، فایل e-o-603 در همین سایت مطالعه گردد.
 |

و قد قال في الأوثق: «يمكن انّ يستدل على كون مفاد أخبار التسامح هو الاستحباب الشرعي دون تأكيد حكم العقل لوجوه:

أحدها: انّ حملها مع كثرتها على ذلك بعيد جدا.

الثاني: انّ أكثر هذه الأخبار مطلقات لا دلالة فيها على اعتبار كون إتيان الفعل بداعي ادراك الثواب البالغ، و ما وقع فيه التقييد بذلك مجمل لاحتمال كون المراد به: بيان كون الداعي الى العمل و المحرك للمكلف اليه، لا اعتبار ذلك في كيفية الامتثال بأن يكون غاية مقصودة من الفعل، و الفرق بينهما واضح.

الثالث: انّ ظاهرها: استحقاق الثواب بالعمل، فلو حملت على بيان حكم العقل و تأكيده لا يكون ترتب الثواب على وجه الاستحقاق، بل على وجه التفضل من اللّه سبحانه، لكون العبد معه في حكم المطيع و المنقاد.

الرابع: فهم الفقهاء و حكمهم بالاستحباب الشرعي لأجلها و هم من أهل اللسان.

الخامس: انّ ظاهر بعضها- كما اعترف به المصنّف- هو: استحقاق خصوص‏ الثواب البالغ لا مطلقه و العقل لا يستقل به، و حمله على التفضل أيضا خلاف الظاهر[[1]](#footnote-1)»

برخی از شروح رسائل ضمن بحث مرحوم شیخ اعظم از قاعده تسامح از کتاب اوثق الوسائل شواهدی را جهت مولوی بودن ادله من بلغ ذکر کرده‌ و آن را تأیید نموده‌اند. شواهد مزبور در بالا نقل شد. متن حاضر، به نقد این استشهادات می‌پردازد.

1. انّ حملها مع كثرتها على ذلك بعيد جدا

اینکه اصل در عبائر صادره از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلّم و اهل بیت ایشان علیهم‌السلام مانند سایر موالی که شأن تکلیف دارند، توجیه حکم از جایگاه مولی باشد معلوم نیست و هیچ اصل عقلایی برای آن به‌نظر نمی‌رسد و کثرت ارشاد خصوصاً در جایی که مطاوعه نفوس برای حکم عقل معارضی مثل هواهای نفسانی داشته باشد و یا مصلحتی که مناط حکم عقل است، مهم باشد موافق طریقت موالی حکیم و ناصح است. چه‌رسد به اینکه در مرشدإلیه مصلحتی ورای ادراک عقل باشد چراکه بین حکم به تحصیل مصالح حقایق ورای ادراک عقل و مولوی بودن حکم ملازمه نیست.

1. انّ أكثر هذه الأخبار مطلقات ... الخ

مطلب درستی است اما سندی بر اینکه حکم مطلق، حمل بر مولوی بودن می‌شود نیست و لازمه اطاعت حکمی از امر ارشادی، تقیید دلیل به قصد اتباع از حکم عقل و مانند آن نیست تا با اطلاق نفی شود.

1. انّ ظاهرها: استحقاق الثواب بالعمل

فارق بین استحقاق و تفضل این نیست که اولی در ازای عمل باشد و دومی، بریده از عمل. بلکه دومی نیز می‌تواند از آثار عمل باشد و به‌تعبیر دیگر عمل می‌تواند و در موضوع این اخبار بایست بهانه تفضل گردد. فارق بین این دو در این است که در استحقاق، مولی جلّ‌شأنه برای عامل (به‌خاطر عملش) بر خودش حقی اعتبار نموده‌است و در دومی، نه اما تفضل هم، ناشی از عمل است.

1. فهم الفقهاء

البته باید متن بزرگان دیده شود اما سزاوار است نکته مهمی اینجا ملحوظ باشد و آن اینکه معلوم نیست نزد قدما بلکه متأخرین علما بین حکم ارشادی و توصیه‌های شارع به فعل و ترک با ندب و کراهت مصطلح تفکیک دقیقی مورد توجه قرار می‌گرفته‌است. مسئله نزح ماء بئر و یا آداب اطعمه و اشربه و احکام نکاح و اولاد و ... شاهد بر این مدعاست لذا اگر این اخبار را مجمل بدانیم و جبر ضعف دلالت را با فهم فقها بپذیریم باز قرینه مزبور تمام نیست[[2]](#footnote-2).

1. ظاهر بعضها هو: استحقاق خصوص‏ الثواب البالغ ... الخ

ارشاد به تفضل بر ثواب بالغ از ظاهر لفظ این اخبار ‌دور نیست. ماتن نیز توضیحی برای اینکه چرا آن را خلاف ظاهر دانسته‌اند نفرموده‌اند.

توضیح بیشتر اینکه لازمه اخبار و تعهد به ثبوت ثواب خاص کشف از انشای حکم مماثل با مفاد خبر بالغ و یا تتمیم دلالت بر بعث نیست[[3]](#footnote-3) بلکه کشف از سیره تکرم مولی جل‌شأنه است از تفضل بر حسن ظن عباد به خودش کما قد یستظهر من هذه الادلة[[4]](#footnote-4) و میل به حمل بیانات نورانی ایشان صلوات‌الله‌علیهم بر مولویت وجه کلی ندارد.

1. . الوصائل الى الرسائل، ج‏8، ص: 63 [↑](#footnote-ref-1)
2. . مگر اینکه با توجه به تعبیر «هم من أهل اللسان» بگوییم مراد ماتن رحمه‌الله این است که خبر مجمل نیست و ما با توجه به فهم فقها از فهم خودمان مطمئن می‌شویم. در جواب گفته می‌شود که فهم فقها چنانچه گذشت معلوم نیست. وانگهی بعد از استظهار ارشادیت از اخبار -کما لا یبعد-، نوبت به رجوع به فهم ایشان نمی‌رسد. [↑](#footnote-ref-2)
3. . کما اینکه مؤدای مستقیم آن جعل متمم برای اعتبار صدور اخبار ضعاف نیست. اگر چه لازمه تشویق به تحصیل ثواب با عمل به اخبار ضعیف، نتیجه مشابه حجیت‌بخشی به اخبار بالغ است دراین اثر یعنی تشوق. [↑](#footnote-ref-3)
4. . و قد اختار مولانا السید بن طاوس رحمه‌الله في تفسیر هذه الاخبار ما ذکرنا؛ فراجع الاقبال فإنک تجد فیه فهما عرفیا لها في غاية الجودة. [↑](#footnote-ref-4)